

یکشنبه • ۴ بهمن ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۰۳ • ۹

روزنامه شرق	
جهان	
مخيله سياسي کمون پاریس	صفحه ۱۰
زیبایی چیزهای مشترک	صفحه ۱۱
خبرنگارانِ نمک گیر، کارت هدیه‌های بی‌نمک	صفحه ۱۲

نگاه
فروپاشی قدرت در خاورمیانه فرشید جعفری . استادیار روابط بین‌الملل

آسیای غربی که سردر آن خاورمیانه ثبت شده است و به این نام مشهور است، محدوده‌ای در سیاست بین‌الملل را شامل می‌شود که هرچند به‌سهولت می‌توان درکش کرد؛ اما به‌سختی می‌توان فهمید. دریافتن معنا از نموده‌های خاورمیانه، آن هم از چشم‌انداز سیاست بین‌الملل، دشوار است.

تنها کاری که از دست روزنامه‌نگاران و تحلیلگران حرفه‌ای سیاست بین‌الملل برمی‌آید، عرضه فهم مقدماتی و سمانتیک از خاورمیانه است؛ فهمی که تنها می‌تواند زمینه‌های فهم صادق را فراهم آورد. خاورمیانه به روایت تفسیرگرایان متنی است که از چشم‌اندازهای گوناگون خوانده می‌شود، گزاره‌های آن به عناصر تشکیل‌دهنده‌اش تجزیه و ترکیب می‌شود و مفاهیم و اصطلاحات آن به‌طور دقیق از یکدیگر جدا و معنی می‌شوند. این فرایند در راستای درک خاورمیانه انجام می‌گیرد که چندان هم دشوار به‌نظر نمی‌رسد. پیچیدگی و دشواری زمانی خود را نشان می‌دهد که تلاشی جهت فهم خاورمیانه انجام پذیرد. نموده‌های متعددی را می‌توان در خاورمیانه یافت؛ اما تنها نمودی که در طول تاریخ سیاست بین‌الملل در این منطقه از جهان به‌چشم می‌آید، بسته جنگ است. فارغ از دلایل و علل جنگ به‌طورکلی که بخش عمده‌ای از ادبیات نظری علوم اجتماعی به‌طور اعم و ادبیات سیاست بین‌الملل را شکل می‌دهد، فهمی که از نمود جنگ در خاورمیانه عرضه شده است، فهمی مقدماتی و سمانتیک است. فهمی که تنها مدلل‌کردن جنگ را مقصود خود قرار داده و با فانوس اثبات‌گرایانه در جست‌وجوی علل جنگ می‌گردد. بسته به اینکه جست‌جوی تحلیل جنگ براساس چه سطحی انجام می‌گیرد، درک‌های متفاوتی از این نمود متعارف خواهیم داشت. فارغ از کشمکش‌های مزمن دولت خودگردان فلسطین و اسرائیل و بعضاً لبنان و اسرائیل، روزگاری را سیری می‌کنیم که نمود جنگ در دو حوزه مختلف در این منطقه در جریان است: جنگ عربستان علیه یمن و جنگ روسیه علیه داعش در خاک سوریه.

تحلیلگران جنگ عربستان علیه یمن را این‌گونه مدلل می‌کنند که ایالات متحده دیگر درصدد مداخله مستقیم نیست. حل مشکلات منطقه‌ای را زین‌پس باید به بازیگران عمده منطقه‌ای واگذار کرد. عربستان از این منظر، نایب ایالات متحده در اقدام نظامی علیه یمن بوده است. اینکه مناطقی از یمن، از جمله «حیزان» «عسیر» و «نجران» مملو از میدان‌های نفتی است که این امر قدر و ارزش آن را نزد عربستان فزونی بخشیده است یا اینکه عربستان به‌دلیل اوج‌گیری قدرت ایران در خاورمیانه به‌دنبال توافق هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ سیاست بین‌الملل، دل مشغول افول قدرت خویش است. حمله به یمن صرفاً جهت اعلام این نکته است که عربستان همچنان قدرت اول منطقه است. نمود دیگر جنگ، اقدام نظامی روسیه در سوریه است که به‌دنبال اقدامات تروریستی در پاریس، فرانسه و بریتانیا نیز به روسیه پیوستند. تحلیلگران می‌گویند دلیل اقدام نظامی روسیه در خاورمیانه را باید در دکترین نظامی شخص رئیس‌جمهوری سوریه جست‌وجو کرد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اتفاق نظری در مجموعه حاکمیت روسیه حاصل شد، مبنی بر اینکه قدرت هسته‌ای روسیه باید مانند گذشته تداوم یابد. روسیه باید ابتکار عمل را به‌عنوان یک قدرت بزرگ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین در خاورمیانه به‌دست گیرد و در همه وجوه سیاست بین‌الملل، فعالیت خود را تداوم ببخشد. رنگ لنز چشم روسیه با رنگ لنز چشم اتحاد جماهیر شوروی تفاوتی نخواهد داشت. روسیه دل‌مشغول هژمونی منطقه‌ای است و در نتیجه دل‌نگران واگرایی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بلوک شوروی پیشین است. دراین‌میان آنچه روسیه را آزار می‌دهد، تمایل اوکراین و کره‌جستان در پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو است؛ بنابراین، دلیل اقدام نظامی روسیه علیه داعش را باید در راستای حفظ ادراک قدرت بزرگ‌بودن روسیه در مجموعه حاکمیت روسیه تحلیل کرد. این اقدام همچنین پیامی است به ایالات متحده آمریکا جهت شناسایی آن کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ.

سوریه محل تقابل ایالات متحده و روسیه است. دلیل این امر قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه «بشار اسد»، در نتیجه دل‌نگران واگرایی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بلوک شوروی پیشین است. دراین‌میان آنچه روسیه را آزار می‌دهد، تمایل اوکراین و کره‌جستان در پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو است؛ بنابراین، دلیل اقدام نظامی روسیه علیه داعش را باید در راستای جهت شناسایی آن کشور به‌عنوان یک قدرت بزرگ.

سوریه به‌عنوان می‌توان معنای نمود جنگ در خاورمیانه را فهمید؟ با تأمل در گزاره‌های زیر شاید بتوان به این پرسش پاسخ گفت؛ جایی که قدرت با شدت وجود داشته باشد، توسل به زور نظامی محلی از اِعراب نخواهد داشت. وجود نظم دال بر وجود قدرت است و وجود زور و توسل به آن دال بر فروپاشی نظم حاصله از قدرت است. دولت‌های قدرتمند نیازی به استفاده از قدرت ندارند. عدم توسل به زور، دکترین کشورهای قدرتمند است. فهم صادق جنگ در خاورمیانه و بی‌نظمی‌های متعارف موجود در این منطقه را باید در فروپاشی قدرت جست‌وجو کرد. این فروپاشی قدرت زمانی حادث شد که ایالات متحده آمریکا سرزمین خاورمیانه را به‌تعبیر درست، آسیای غربی را ترک گفت. جنگ و توسل به زور نظامی در خاورمیانه تا برقراری مجدد قدرت نمود برجسته این منطقه خواهد بود.

افق تاریک دولت ترکیه

اما از حیث سیاسی، نکته دیگری که دولت ترکیه را در سال ۲۰۱۶ به خود مشغول کرده، سر باازدن از پسگرد در مواضع خود در حل بحران سوریه است. در سال ۲۰۱۴ که نیروهای مبارز علیه دولت «بشار اسد» رئیس‌جمهوری سوریه، دست به عملیات ایدایی و همچنین بعضاً کارساز می‌زدند، دولت آنکارا باور داشت که دیری نخواهد پایید که دولت دمشق سقوط خواهد کرد. اما از ماه آوریل ۲۰۱۵ که رویکرد جامعه جهانی درباره بحران سوریه دگرگون شد و اجماع دیپلماسی به سوی صلح رقم خورد، با آغاز حملات نیروهای روسی و هماهنگی داشت که دیری نخواهد پایید که دولت دمشق سقوط خواهد کرد. اما از ماه آوریل ۲۰۱۵ که رویکرد جامعه جهانی درباره بحران سوریه دگرگون شد و اجماع دیپلماسی به سوی صلح رقم خورد، با آغاز حملات نیروهای روسی و هماهنگی داشت که دیری نخواهد پایید که دولت دمشق سقوط خواهد کرد. اما از ماه آوریل ۲۰۱۵ که رویکرد جامعه جهانی درباره بحران سوریه دگرگون شد و اجماع دیپلماسی به سوی صلح رقم خورد، با آغاز حملات نیروهای روسی و هماهنگی داشت که دیری نخواهد پایید که دولت دمشق سقوط خواهد کرد.

تغییر رویکرد آنکارا باعث انتقام‌گیری داعش شد و میدان‌های نبرد فرساینده را از بیرون به داخل خاک ترکیه کشاند. در کنار این مسائل، دولت ترکیه با اتهامات و انتقادات جامعه اروپا در تاتوانی در مهار مطلوب پناه‌جویان سوری زیر ربه‌رو شده است. به طوری که «ژان کلود یونکِر» رئیس کمیسیون اروپایی، در سخنان اخیر خود از نارضایتی در قبال عملکرد دولت ترکیه در تحقق از بازداشت‌شدگان شدند. منتقدان حقوقی ترکیه می‌تازد که در همین حال، «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان فدرال، از جدی‌نبودن دولت آنکارا در جلوگیری از سبیل پناه‌جویان سوری اظهار شکایت کرده است. ایتالیا نیز پرداخت حق‌السهم کمک سه میلیارد یورویی را بلوکه کرده است.

اما دولت ترکیه بر آن است که به نحوی خود را از وضعیت و میدان پرهرج‌ومرج و بحران‌زا رهایی دهد. زیرا از یک طرف افزایش رکود اقتصادی با کاهش ارزش پول ملی، از سوی دیگر تأثیر تحریم‌های روسیه بر دو بخش توريسم و خدمات و تولید و همچنین تحمل هزینه‌های فزاینده در نتیجه ادامه نبردها در جنوب و جنوب شرقی ترکیه حقیقتاً دولت آنکارا را سخت می‌آزارد. در نهایت، باید فکت اگر خوش‌بینانه به مسئله بنگریم و با تصور اینکه آتش‌بس در میان کردها و دولت مرکزی ایجاد شود، نیروهای تروریستی داعش از بیخ و بن نابود شوند و تهدیدی علیه ترکیه وجود نداشته باشد، تنش موجود در روسیه رو به حل و ترفیع برود، باز مشکل عمده‌ای در برابر دولت ترکیه وجود دارد؛ چراکه بازسازی مناطق جنگ‌زده و ترمیم زخم مردم منطقه و فراموش‌کردن حوادث اخیر چه در میان خانواده‌های کشته‌شدگان دولتی و چه در میان کردهای شورشی بسی سخت می‌نماید. به دور از این مسائل، ازین‌بردن روح تضاد قومی و نژادی هم معضلی بس آزاردهنده است که برای کم‌رنگ‌شدن آن به زمان نیاز هست، بنابراین سال ۲۰۱۶ افق روشنی در برابر دولت حاکم ایجاد نمی‌کند.



ضدیت رئیس‌جمهوری ترکیه با جامعه مدنی از منظر رهیافت تحلیل گفتمان

اردوغان و «دیگری»

اردوغان در اظهارات خود نشان داده که با یهودیان همدلی ندارد؛ برای مثال، در ژوئن سال ۲۰۱۵ میلادی، او گفته بود که بیت‌المقدس باید از وجود یهودیان آزاد شود. او در یک سخنرانی در استانبول در جریان کارزاری انتخاباتی به‌مناسبت پانصد و شصت و دومین سال فتح «قسطنطنیه» توسط ترک‌ها و غلبه آنان بر مسیحیان اروپایی گفته بود: «اقدام «صلاح‌الدین ایوبی» حرکتی بود به‌سوی دوباره‌برافراشتن پرچم اسلام بر فراز بیت‌المقدس. پس از آن فتوحات «سلطان محمد دوم» را داشتیم. این فتوحات بدان معنا هستند که ترکیه مجبور است روی پای خود بایستد». علاوه‌بر اردوغان، «احمد داووداوغلو»، نخست‌وزیر او، نیز با نگاه تاریخی خود نام صلاح‌الدین ایوبی را برای فرودگاهی تازه‌تأسیس در جنوب ترکیه برگزیده بود و آن را نماد وحدت کردها، اعراب و ترک‌ها دانسته بود.

اردوغان همچنین در سال ۲۰۱۵ میلادی در آستانه برگزاری انتخابات پارلمانی در ترکیه ضمن انتقاد از عملکرد رسانه‌های خارجی، روزنامه «نیویورک تایمز» را نماینده «سرمایه‌داری یهودی» قلمداد کرد.

به‌رسمیت نشناختن علویان و عبادتگاه‌های «وحشت‌انگیز»

علوی‌ها حدود ۲۳ تا ۲۵ درصد جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند و به‌طورسنتی از حزب جمهوری‌خواه خلق که جریان اصلی اپوزیسیون و حامی ارزش‌های سکولار است، حمایت کرده‌اند. این موضوع یکی از عوامل اصلی عدم علاقه اردوغان و حزبش که مدافع اسلام سنی هستند، به علویان بوده است. تشدید مداخله ترکیه در بحران داخلی سوریه و دشمنی با خاندان علوی «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، نیز بر این موضوع دامن‌زده است. او در آوریل سال ۲۰۱۴ میلادی در حضور «یواخیم گائوگ»، رئیس‌جمهوری آلمان، مدعی شد که «علوی‌های بی‌خدا» در آلمان شایعات و منفی‌بافی‌هایی را درباره ترکیه ترویج می‌کنند. در همان زمان حزب دموکراتیک‌خلق‌ها ضمن محکوم‌کردن اظهارات اردوغان اعلام کرد که او علویان را در زمره دیگری قرار داده و از او خواست تا از نادیده‌گرفتن میلیون‌ها شهروند علوی ترکیه خودداری کرده و آنان را به‌رسمیت بشناسد. اردوغان همچنین مخالف جدی به‌رسمیت‌شناختن عبادتگاه علویان بوده است؛ تا جایی که در یکی از سخنرانی‌های خود سماوی (عبادتگاه علویان) را جایی «وحشت‌انگیز» خوانده بود. «امراالله ایچلِر»، معاون وقت اردوغان نیز گفته بود که دولت ترکیه نمی‌تواند عبادتگاه‌های علویان را به‌رسمیت بشناسد؛ چراکه اگر آنان مسلمان هستند، باید در مسجد عبادت کنند و دولت نیز آنها را در چارچوب دین اسلام و مسلمانی به‌رسمیت بشناسد.

 	 	 	 	 	 	 	 	 	
اظهارات اردوغان می‌تواند بیشتر تفکر مسلط بر ذهن این سیاست‌مدار محافظه‌کار و روح محافظه‌کاری نولیبرال حزب «عدالت و توسعه» را عیان کند. استفاده این رهیافت تحلیلی گفتمان از آن‌رو موثر است به اردوغان به‌عنوان فردی اقتدارگرا خط مرزهای ایدئولوژیک شدیدی را با «دیگری» ترسیم کرده است؛ دیگری‌ای که گستره آن وسیع است. از فمینیست‌ها و فعالان محیط زیست گرفته تا دانشگاهیان و روشنفکران									

مادری و بچه‌داری تنها نقش زنان در جامعه

اظهارات اردوغان و مقام‌های دولت او درباره زنان همواره جنجال‌آفرین بوده است. از اظهارات «بولنت آرتیچ»، معاونش که گفته بود خندیدن زنان بر ملاعام اقدامی ناپسند است و در پاسخش هزاران نفر در توییت هشتگ «خنده؛ مقاومت» را ایجاد کردند تا شخص او در نوامبر سال ۲۰۱۵ میلادی در نشستی در استانبول گفته بود: زن و مرد از نظر بیولوژیکی با یکدیگر اختلاف دارند و این تفاوت بدان مناسبت که آنان نمی‌توانند کارهای مشابهی را انجام دهند. اردوغان در آن جلسه گفته بود که اسلام نقش زنان در جامعه را تعریف کرده است: مادری. او خطاب به زنان ترک حاضر در آن جلسه از جمله دخترش، سمیه، گفته بود: «برخی از مردم می‌توانند این موضوع را درک کنند و برخی دیگر نمی‌توانند. شما نمی‌توانید این موضوع را برای فمینیست‌ها توضیح دهید؛ چراکه آنان مفهوم مادری را نمی‌پذیرند. اردوغان گفته بود که برابری زن و مرد بی‌معنی است؛ چراکه خلاف طبیعت بشر است. این نگاهی است که تمام محافظه‌کاران دارند و با نگاه ذات‌گرایانه به انسان می‌نگرند. او برابر قراردادن زن و مرد و تصور انجام کارهای مشابه از سوی آنان را مشابه با اقدامات رژیم‌های کمونیستی قلمداد کرده و این کار را تقبیح کرده بود. او پیش‌تر نیز گفته بود که هر زن در ترکیه باید سه بچه داشته باشد و طرح محدودیت حقوق قانونی مرتبط با سقط جنین را به وزارت بهداشت ترکیه ابلاغ کرده بود. او در واکنش به انتقادات فعالان زن به اظهاراتش گفته بود که چرا مخاطبانش به اظهارات زن ستیزانه در نایش یهودیان بر این مبنا که هر صبح خدا را برای آنکه مرد شوند و زن نباشند ستایش می‌کنند، انتقاد ندارند. اردوغان برای تحریک غیرت مردان محافظه‌کار پیش‌تر از گولن، رهبر جنبش «هزمت» دوست



 	 	 	 	 	 	 	 	 	
اظهارات اخیر «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، علیه اکادمیسین‌ها و شخصیت‌های دانشگاهی، اوج ضدیت او با حاملان تفکر مدرن در ترکیه را آشکار کرد. بااین‌حال، برای درک چرایی رویکرد تهاجمی رئیس‌جمهوری ترکیه نسبت به دانشگاهیان باید به تحلیل نسبت او با دیگر گروه‌های اجتماعی و فعالان جامعه مدنی پرداخت؛ دراین‌میان رهیافت تحلیل گفتمان می‌تواند ابزار خوبی را در اختیار قرار دهد.									

رهیافت تحلیل گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی سرورکار دارد. این رهیافت به تحلیل شیوه‌ای می‌پردازد که در سیستم‌های معانی یا گفتمان‌ها، فهم مردم از نقش خود در جامعه را شکل می‌دهند و بر فعالیت‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارند. تحلیلگر گفتمان در موضوعات پژوهشی، اولویت را به مفاهیم سیاسی مانند ضدیت و عاملیت و سلطه می‌دهد. در این رهیافت مفهوم ضدیت نقش محوری دارد؛ چراکه به ایجاد رابطه‌ای خصمانه اشاره می‌کند که منجر به تولید دشمن یا دیگری می‌شود و از طریق آن مرزهای سیاسی مشخص می‌شوند و به‌صورت‌بندی‌های گفتمانی هویت می‌یابند. استفاده از این رهیافت با تمرکز بر سخنرانی‌ها و اظهارات اردوغان و کلیدواژه‌های به‌کار برده‌شده ازسوی او می‌تواند بیشتر تفکر مسلط بر ذهن این سیاست‌مدار مسلمان محافظه‌کار و روح محافظه‌کاری نولیبرال حزب «عدالت و توسعه» را عیان کند. استفاده این رهیافت تحلیل گفتمان از آن‌رو موثر است که اردوغان به‌عنوان فردی اقتدارگرا خط مرزهای ایدئولوژیک شدیدی را با «دیگری» ترسیم کرده است؛ دیگری‌ای که گستره آن وسیع است، از فمینیست‌ها و فعالان محیط‌زیست گرفته تا دانشگاهیان و روشنفکران. دراین‌میان می‌توان با دسته‌بندی گروه‌های مختلف اجتماعی و موضع اردوغان در قبال آنان، به رویکرد او پی برد:

معترضان علیه دولت به‌مثابه آنتیست و تروریست

اردوغان در فوریه سال ۲۰۱۴ میلادی در یک سخنرانی به مخالفان و معترضان به اقدامات دولتیش حمله کلامی کرد و آنان را «آنتیست»، «چپ‌گرا» و «تروریست» خواند. این اظهارات در قبال معترضانی بود که در اعتراض به پرونده فساد مالی و نقش‌داشتن وزرای دولت او و پسر اردوغان «ملال» به خیابان‌ها آمده بودند. اردوغان درباره معترضان گفته بود: «آنان عده‌ای بی‌خدا و تروریست هستند؛ اما حزب «جمهوری‌خواه خلق» (حزب اصلی اپوزیسیون) آنان را «فرزندان ما» می‌خواند. اردوغان در جولای سال ۲۰۱۵ میلادی گفت که تنها دغدغه او، اسلام است و علیه آنچه «مدافعان تروریسم و بی‌خدایان» در ترکیه خواند مقابله خواهد کرد. او گفت: «تنها دغدغه ما اسلام است، اسلام، اسلام و اسلام. برای ما غیرممکن است که در سایه قرارگرفتن اسلام را بپذیریم». او مدعی شد که برخی به‌دلیل تفاوت‌های فرقه‌ای به سازمان‌های تروریستی و بی‌خدا می‌پیوندند. البته سخنان او فاقد حمایت اجتماعی نبوده است. نتایج آرایابی سال ۲۰۱۱ دانشگاه «باهجه شهریه» نشان داد که ۶۴ درصد مردم ترکیه نمی‌خواستند همسایه‌ای بی‌خدا داشته باشند و ۷۲ درصد نمی‌خواستند همسایه‌ای داشته باشند که مشروب می‌نوشد و ۶۷ درصد دیگر بی‌ریخت به همسایگی با زوج‌هایی بودند که با یکدیگر ازدواج رسمی نکرده‌اند. «مصطفی اکپول»، روزنامه‌نگار معروف ترک و نزدیک به جریان «گولن» می‌گوید که نهایت دگرپودگی و طردشدگی در ترکیه، بی‌خدا بودن است. این درحالی است که بی‌خدایان در ترکیه دارای انجمن رسمی و قانونی هستند؛ اما به‌طور مداوم مورد تهدیدات تلفنی قرار می‌گیرند.

برچسب عامل خارجی و زرتشتی

احساسات مذهبی رای‌دهندگان محافظه‌کار به حزب عدالت و توسعه، با زدن برچسب بر مخالفان، آنان را «همجنس‌گرا، زرتشتی، نامسلمان و خائن مورد حمایت خارجی» خواند. گفتمان سیاسی اردوغان نشان داده که او «ترک‌بودن» و «مسلمان سنی» بودن را ارزش می‌داند. اردوغان در تظاهراتی در شهر «قارص» در شمال شرقی ترکیه، اعضای حزب دموکراتیک‌خلق‌ها را وابسته به حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) دانست و گفت: «ما اسنادی داریم که نشان می‌دهند آنان زرتشتی‌گری را در کوه‌ها آموزش می‌دهند». او گفت: «این افراد هیچ ارتباطی با اسلام ندارند. برادران مسلمان کُرد من، پشت سر آنان نخواهند بود».

مبارزه با «سرمایه‌داران یهودی»

درصد اندکی از جامعه ترکیه را یهودیان تشکیل می‌دهند؛ بااین‌حال، آنان پس از یهودیان ساکن سرزمین‌های اشغالی، یکی از پرجمعیت‌ترین و پرنفوذترین جوامع یهودی در خاورمیانه محسوب می‌شوند؛ بااین‌وجود،